



فصل (منطق)

فصل، از اصطلاحات **منطق** و **فلسفه** و از **کلیات خمس** است.

فهرست مندرجات

۱ - سه معنی برای فصل

۱.۱ - فصل به معنای عام و خاص و اخص

۱.۲ - تعریف دقیق تر فر فریوس

۱.۳ - نظر ابن مقفع

۱.۴ - تعریف فارابی از جنس و فصل

۱.۵ - تعریف ابن سینا

۱.۵.۱ - جنس اصل تشابه در امور ذاتی

۱.۶ - تعریف غزالی

۱.۷ - نظر دیگر منطق‌دانان مسلمان

۲ - پانویس

۳ - منبع

سه معنی برای فصل

به گفته فر فریوس

[۱] فر فریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۱۰۷۲-۱۰۸۲، در ارسطو، منطق ارسطو، چاپ عبدالرحمان بدوی، بیروت ۱۹۸۰.

[۲] فر فریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۷۶-۸۲، در ارسطو، منطق ارسطو، ترجمه فارسی و مقدمه و توضیحات محمد خوانساری، تهران ۱۳۸۳.

فصل هم به سه معنی به کار می‌رود: (۱) به معنای عام، که صرفاً به مطلق تفاوت و امتیاز گفته می‌شود؛ آنگاه که چیزی با خود یا با چیزی دیگر، به سبب گونه‌ای غیریت، تفاوت داشته باشد، مثل تفاوت **سقراط** با **افلاطون**.

(۲) به معنای خاص، که امتیاز به واسطه عرض لازم است. به این معنی، فصل همان **عرض غیرمفارق** است. از قبیل داشتن **چشم** آبی یا بینی کوتاه.

(۳) به معنای اخص، که به اختلاف نوعی یک شیء با شیء دیگر گفته می‌شود.

← فصل به معنای عام و اخص

فصل به معنای **عام** یا **خاص**، وصفی از اوصاف شیء را تغییر می‌دهد، در صورتی که فصل به معنای اخص از اقسام **کلیات خمس** است و موجب امتیاز ذات شیء از اشیای دیگر می‌شود.

فصل دال بر تمایز و غیریت ماهوی را «فصل متوجع» می‌نامند که جنس به واسطه آن به انواعی منقسم می‌شود؛ اما، فصول دال بر تمایز در اوصاف، تنها اختلاف و تفاوت در نحوه وجود را بیان می‌کنند، چنان که فصل «**ناطق**» که به «**حیوان**» افزوده می‌شود، از آن ماهیتی متمایز می‌سازد، در صورتی که «متحرک بالفعل بودن» تنها موجب تفاوت وصف حیوان است و آن را از «ساکن بودن» - که نحوه‌ای از بودن و وجود است - ممتاز می‌کند.

بدین ترتیب، فصل آن چیزی است که بر امور متکثر متفاوت از حیث نوع و در جواب «آی شیء؟»، **جمل** می‌شود.

← تعریف دقیق تر فر فریوس

تعریفی که **ارسطو** در کتاب جدل

[۳] ارسطو، منطق ارسطو، ج ۲، ص ۶۵۱، چاپ عبدالرحمان بدوی، بیروت ۱۹۸۰.

برای فصل بیان کرده است، به دقت تعریف فر فریوس نیست. به گفته او، فصل، اشیایی را که تحت جنس واحدند، جدا می‌سازد.

این بدان سبب است که در مواضع جدل، فصل و **خاصه** هر دو تحت عنوان خاصه می‌آیند و موجب امتیاز اشیا از یکدیگر می‌شوند؛ اما، به نظر فر فریوس،

[۴] فر فریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۱۰۸۴، در ارسطو، منطق ارسطو، چاپ عبدالرحمان بدوی، بیروت ۱۹۸۰.

[۵] فر فریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۸۲، در ارسطو، منطق ارسطو، ترجمه فارسی و مقدمه و توضیحات محمد خوانساری، تهران ۱۳۸۳.

فصل هرگونه مفهومی نیست که موجب امتیاز موجودات تحت یک جنس از یکدیگر شود، بلکه منحصر آن مفهومی است که در ائیت و حقیقت شیء سهیم است.

← نظر ابن مقفع

ابن مقفع

[۱۶] ابن مقفع، المنطق، ج ۱، ص ۴، چپ مجتبی دانش‌پژوه، تهران ۱۳۵۷.

جنس را اسمی دانسته است که شامل امور مختلف‌الصور می‌شود، مانند **دولت** که شامل **فیل** و **مورچه** می‌شود که از حیث صورت مختلف‌اند.

کندی

[۱۷] یعقوب‌بن اسحاق کندی، رسائل الکندی الفلسفیه، ج ۱، ص ۱۲۹، چپ محمد عبدالهادی ابوریثه، قاهره ۱۳۶۹-۱۳۷۲/۱۹۵۰-۱۹۵۳.

نیز همان تعریف فروریوس را از جنس و فصل بیان کرده، با این تفاوت که به جای کلمت «به طریق ماهو (به حمل هو هو)» و «در جواب ای شیء»، عبارات «دال بر ماهیت شیء» و «دال بر ائیت شیء» را به کار برده که به همان معناست.

← تعریف فارابی از جنس و فصل

فارابی در کتاب المنخل

[۱۸] مجتبی محمد فارابی، المنطقیات للفارابی، ج ۱، ص ۳۰-۳۱، چپ مجتبی دانش‌پژوه، قم ۱۴۱۰.

جنس و فصل را مطابق تعریفی که در **ایساغوجی** آمده، **تعریف** کرده است، ولی در کتاب **التوطنه**

[۱۹] مجتبی محمد فارابی، المنطقیات للفارابی، ج ۱، ص ۱۶، چپ مجتبی دانش‌پژوه، قم ۱۴۱۰.

و همچنین در فصل چهارم کتاب **الالفاظ المستعمله فی المنطق**، جنس را بر اسس دامنه مصادیق تعریف کرده و گفته است که کلیت محمول بر شخص واحد که در جواب ماهو می‌آیند، گاه در عموم و خصوص اختلاف پیدا می‌کنند، مثل **انسان** و حیوان محمول بر زید که انسان لخص از **حیوان** است.

در چنین سلسله‌ای از کلیت، کلیت عام را جنس و کلیت خاص را نوع می‌نامند که چون هر جنسی اعم از نوع تحت آن است، پس بر انواع کثیر قابل حمل و اطلاق است.

[۲۰] مجتبی محمد فارابی، المنطقیات للفارابی، ج ۱، ص ۲۹-۳۰، چپ مجتبی دانش‌پژوه، قم ۱۴۱۰.

← تعریف ابن سینا

ابن سینا

[۲۱] ابن سینا، الشفاء، ج ۱، فن ۱، ص ۴۷، المنخل، چپ ابراهیم منکور و دیگران، قاهره ۱۳۷۱.

نیز تعریف فروریوس را پذیرفته و آن را تکمیل کرده است.

به گفته او،

[۲۲] ابن سینا، الشفاء، ج ۱، فن ۱، ص ۴۶، المنخل، چپ ابراهیم منکور و دیگران، قاهره ۱۳۷۱.

کلی به **ذاتی** و **عرضی تقسیم** می‌شود.

ذاتی یا دال بر **ماهیت** اعم است که در این صورت جنس نامیده می‌شود، یا دال بر ماهیت اخص است که بدان نوع می‌گویند، یا دلالت بر ائیت می‌کند که فصل نامیده می‌شود و به بیان دیگر، در جواب «ای شیء هو فی ذاته» می‌آید.

فروریوس نیز در تعریف فصل به «ائیت» اشاره کرده است،

[۲۳] فروریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۱۰۸۴، در ارسطو، منطق ارسطو، چپ عبدالرحمن بدوی، بیروت ۱۹۸۰.

[۲۴] فروریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۸۲، در ارسطو، منطق ارسطو، ترجمه فارسی و مقدمه و توضیحات محمد خوانساری، تهران ۱۳۸۳.

ولی فلاسفه اسلامی بعد از **ابن سینا**، به قید منکور توجه خاصی کرده‌اند.

← جنس اصل تشابه در امور ذاتی

ابن سینا در کتاب جدل

[۲۵] ابن سینا، الشفاء، ج ۳، فن ۶، ص ۹۸، المنطق، الجدل، چپ ابراهیم منکور و احمد فواد أهوانی، قاهره ۱۳۸۵/۱۹۶۵، چپ افست قم ۱۴۰۴.

جنس را اصل **تشابه** در امور ذاتی تعریف کرده و در جای دیگری از همین کتاب،

[۲۶] ابن سینا، الشفاء، ج ۳، فن ۶، ص ۲۴۲، المنطق، الجدل، چپ ابراهیم منکور و احمد فواد أهوانی، قاهره ۱۳۸۵/۱۹۶۵، چپ افست قم ۱۴۰۴.

جنس را دال بر اصل ماهیت مشترک دانسته است.

← تعریف غزالی

غزالی

[۲۷] مجتبی محمد غزالی، معیار العلم فی المنطق، ج ۱، ص ۷۳، چپ احمد شمس‌الدین، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰.

[۲۸] مجتبی محمد غزالی، معیار العلم فی المنطق، ج ۱، ص ۷۷، چپ احمد شمس‌الدین، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰.

علاوه بر پذیرش تعریف فروریوس، جنس و فصل را چیزی جز تفصیل و اقصیت ندانسته است.

← نظر دیگر منطق‌دانان مسلمان

دیگر منطق‌دانان **مسلمان** نیز برای جنس و فصل تعاریفی مشابه تعاریف منکور بیان کرده‌اند.

[۲۹] ابن‌سپهان ساوی، البصائر النصیریة فی علم المنطق، ج ۱، ص ۴۲-۴۴، بهامشه تعلیقات و شرح محمد عبده، چپ رفیق‌العجم، بیروت ۱۹۹۳.

- [۲۰] محمد بن محمد نصیر الدین طوسی، اسلس الاقتباس، ج ۱، ص ۳۵۳۲، در عبدالله انوار، تعلیقه بر اسلس الاقتباس خواجه نصیر طوسی، تهران ۱۳۷۵.
- [۲۱] علی بن عمر کاتبی قزوینی، الرساله الشمسیه، ج ۱، ص ۴۹، ضمن تحریر القواعد المنطقیه، تألیف محمد قطب الدین رازی، قاهره چاپ افست قم ۱۳۶۳.
- [۲۲] علی بن عمر کاتبی قزوینی، الرساله الشمسیه، ج ۱، ص ۵۴، ضمن تحریر القواعد المنطقیه، تألیف محمد قطب الدین رازی، قاهره چاپ افست قم ۱۳۶۳.
- [۲۳] حسن بن یوسف علامه حلّی، الجوهر النضید: شرح منطق التجرید، ج ۱، ص ۴۲-۳۹، چاپ محسن بیدارفر، قم ۱۳۸۴.
- [۲۴] حسن بن یوسف علامه حلّی، الجوهر النضید: شرح منطق التجرید، ج ۱، ص ۴۶، چاپ محسن بیدارفر، قم ۱۳۸۴.
- [۲۵] محمد بن محمد قطب الدین رازی، لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار، ج ۱، ص ۵۱، چاپ سنگی تهران ۱۲۹۳.
- [۲۶] محمد رضا مظفر، المنطق، ج ۱، ص ۸۵-۸۷، نجف ۱۳۸۸/۱۹۶۸، چاپ افست قم ۱۳۷۰.

پانویس

۱. ↑ فروریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۱۰۷۲-۱۰۸۲، در ارسطو، منطق ارسطو، چاپ عبدالرحمان بدوی، بیروت ۱۹۸۰.
۲. ↑ فروریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۸۲-۷۶، در ارسطو، منطق ارسطو، ترجمه فارسی و مقدمه و توضیحات محمد خوانساری، تهران ۱۳۸۳.
۳. ↑ ارسطو، منطق ارسطو، ج ۲، ص ۶۵۱، چاپ عبدالرحمان بدوی، بیروت ۱۹۸۰.
۴. ↑ فروریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۱۰۸۴، در ارسطو، منطق ارسطو، چاپ عبدالرحمان بدوی، بیروت ۱۹۸۰.
۵. ↑ فروریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۸۲، در ارسطو، منطق ارسطو، ترجمه فارسی و مقدمه و توضیحات محمد خوانساری، تهران ۱۳۸۳.
۶. ↑ ابن مقفع، المنطق، ج ۱، ص ۴، چاپ محمدتی دانش‌پژوه، تهران ۱۳۵۷.
۷. ↑ یعقوب بن اسحاق کندی، رسائل الکندی الفلسفیه، ج ۱، ص ۱۲۹، چاپ محمد عبدالهادی ابوریده، قاهره ۱۳۶۹-۱۳۷۲/۱۹۵۰-۱۹۵۳.
۸. ↑ محمد بن محمد فارابی، المنطقیات للفارابی، ج ۱، ص ۳۱-۳۰، چاپ محمدتی دانش‌پژوه، قم ۱۴۱۰.
۹. ↑ محمد بن محمد فارابی، المنطقیات للفارابی، ج ۱، ص ۱۶، چاپ محمدتی دانش‌پژوه، قم ۱۴۱۰.
۱۰. ↑ محمد بن محمد فارابی، المنطقیات للفارابی، ج ۱، ص ۲۹-۳۰، چاپ محمدتی دانش‌پژوه، قم ۱۴۱۰.
۱۱. ↑ ابن سینا، الشفاء، ج ۱، فن ۱، ص ۴۷، المنطق، المنخل، چاپ ابراهیم منکور و دیگران، قاهره ۱۳۷۱.
۱۲. ↑ ابن سینا، الشفاء، ج ۱، فن ۱، ص ۴۶، المنطق، المنخل، چاپ ابراهیم منکور و دیگران، قاهره ۱۳۷۱.
۱۳. ↑ فروریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۱۰۸۴، در ارسطو، منطق ارسطو، چاپ عبدالرحمان بدوی، بیروت ۱۹۸۰.
۱۴. ↑ فروریوس، ایساغوجی، ج ۱، ص ۸۲، در ارسطو، منطق ارسطو، ترجمه فارسی و مقدمه و توضیحات محمد خوانساری، تهران ۱۳۸۳.
۱۵. ↑ ابن سینا، الشفاء، ج ۳، فن ۳، ص ۹۸، المنطق، الجدل، چاپ ابراهیم منکور و احمد فواد أهوانی، قاهره ۱۳۸۵/۱۹۶۵، چاپ افست قم ۱۴۰۴.
۱۶. ↑ ابن سینا، الشفاء، ج ۳، فن ۳، ص ۲۴۲، المنطق، الجدل، چاپ ابراهیم منکور و احمد فواد أهوانی، قاهره ۱۳۸۵/۱۹۶۵، چاپ افست قم ۱۴۰۴.
۱۷. ↑ محمد بن محمد غزالی، معیار العلم فی المنطق، ج ۱، ص ۷۳، چاپ احمد شمس الدین، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰.
۱۸. ↑ محمد بن محمد غزالی، معیار العلم فی المنطق، ج ۱، ص ۷۷، چاپ احمد شمس الدین، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰.
۱۹. ↑ ابن سهلان ساوی، البصائر النصیریة فی علم المنطق، ج ۱، ص ۴۴-۴۲، بهامشه تعلیقت و شرح محمد عبده، چاپ رفیق العجم، بیروت ۱۹۹۳.
۲۰. ↑ محمد بن محمد نصیر الدین طوسی، اسلس الاقتباس، ج ۱، ص ۳۵۳۲، در عبدالله انوار، تعلیقه بر اسلس الاقتباس خواجه نصیر طوسی، تهران ۱۳۷۵.
۲۱. ↑ علی بن عمر کاتبی قزوینی، الرساله الشمسیه، ج ۱، ص ۴۹، ضمن تحریر القواعد المنطقیه، تألیف محمد قطب الدین رازی، قاهره چاپ افست قم ۱۳۶۳.
۲۲. ↑ علی بن عمر کاتبی قزوینی، الرساله الشمسیه، ج ۱، ص ۵۴، ضمن تحریر القواعد المنطقیه، تألیف محمد قطب الدین رازی، قاهره چاپ افست قم ۱۳۶۳.
۲۳. ↑ حسن بن یوسف علامه حلّی، الجوهر النضید: شرح منطق التجرید، ج ۱، ص ۴۲-۳۹، چاپ محسن بیدارفر، قم ۱۳۸۴.
۲۴. ↑ حسن بن یوسف علامه حلّی، الجوهر النضید: شرح منطق التجرید، ج ۱، ص ۴۶، چاپ محسن بیدارفر، قم ۱۳۸۴.
۲۵. ↑ محمد بن محمد قطب الدین رازی، لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار، ج ۱، ص ۵۱، چاپ سنگی تهران ۱۲۹۳.
۲۶. ↑ محمد رضا مظفر، المنطق، ج ۱، ص ۸۵-۸۷، نجف ۱۳۸۸/۱۹۶۸، چاپ افست قم ۱۳۷۰.

منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «جنس و فصل»، شمار ۵۰۸۸.

رده‌های این صفحه: [کلیات خمس](#) | [منطق](#)